



تبیین خیار غبن در فقه و حقوق ایران

سجاد جمال سیسی

دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق خانواده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شبستر، ایران

چکیده

خیار غبن یکی از مباحث مهم خیارات بوده که قانون مدنی نسبت به آن توجه داشته است. غبن عبارت است از عدم تعادل فاحش میان ارزش دو عوض در قرارداد یا ن دیدن از قبل می‌تواند معامله را فسخ کند. ناگفته نماند که در صورت تحقق غبن در معامله شخص مغبون به انتخاب خود می‌تواند یکی از دو گزینه مربوط به خیار غبن (فسخ – ابقاء عقد) را انتخاب کند. در این پژوهش که به روش توصیفی تحلیلی می‌باشد سعی بر آن شد که به موضوع تبیین خیار قبل در حقوق ایران پرداخته شود که هدف از آن شناخت اختیارات پیرامون خیار غبن می‌باشد که نتیجه آن می‌تواند آشنایی بیشتر با اختیارات موجود در خیار غبن و متعاقباً کاهش پرونده های محاکم بوده باشد.

واژگان کلیدی: خیار، مغبون، سقوط، غبن.



مقدمه

بر آشنایان با نظام حقوق قراردادهای امامیه، پوشیده نیست که اگر دو عوض قراردادی، در زمان انعقاد با یکدیگر متعادل نبوده، تفاوتی غیرقابل چشم پوشی میانشان باشد، معامله، غبنی شناخته می شود و در صورت وجود ارکان و شرایط مضبوط در متون فقهی، برای آنکه از وجود غبن متضرر خواهد شد (مغبون)، اختیار فسخ معامله پدید می آید. اما این وضعیت، ظاهر مأنوس غبن است و در حقیقت، یکی از اشکال آن ش نامید. شکل دیگر غبن، این است که در هنگام « غبن قدیم » یا « غبن مقارن » به شمار میرود که میتوان تشکیل قرارداد، دو عوض یا دو تعهد قراردادی متقابل، به لحاظ ارزش مادی از برابری عرفی برخوردار بوده اند و در آن زمان، غبنی در کار نبوده است؛ ولی پس از انعقاد و در مرحله اجرای تعهدات قراردادی و اغلب به علت بروز رویدادهایی پیش بینی ناپذیر و غیرقابل اجتناب، شرایط اقتصادی حاکم بر عقد، دچار دگرگونی گشته، ارزش یکی از عوض ها یا یکی از دو تعهد، در مقابل دیگری افت فاحشی یابد. در پی اینتغییرات، تعادل پیشین به هم ریخته، غبن، پس از تشکیل قرارداد حادث میگردد. از این پدیده، به «غبن حادث» تغییر شده که آن را غبن متجدد نیز می توان نامید (کاتوزیان، 1384). ناگفته نماند که در معامله طرفین انتظار دارند عوضی را که از طرف مقابل دریافت می کنند، معادل ارزش معوضی باشد که به او تسلیم می شود، با توجه به این ممکن است یکی از طرفین به علت عدم آگاهی از قیمت روز بازار کالا را کمتر از قیمت واقعی بفروشد یا بیشتر از آن قیمت بخرد. این امر موجب ضرر به آنها می شود. گفتنی است که وجود غبن در قراردادهای گذشته از برخی مسائل ثبوتی مانند مفهوم و معیار تحقق و اثباتی مانند تعیین مدعی علم یا جهل به قیمت بحث ز راهکارهای جبران کننده را نیز مطرح می کنند. لذا در این مقاله سعی بر آن شد که به موضوع تبیین خیار غبن در فقه و حقوق ایران و مباحث پیرامون آن از جمله مبانی و ادبیات نظری تحقیق، سوابق تحقیق، آثار غبن در پرتو استقلال مبانی مسئولیت مدنی و غیره را مورد بحث و بررسی قرار داده شد.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی می باشد و در این راستا از منابعی چون کتاب ها، اسناد، مدارک و مقالات جهت اخذ داده های خام استفاده خواهد شد. روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای بوده و با مراجعه به کتابخانه های عادی و دیجیتالی (الکترونیکی) انجام یافته است. ابزار گردآوری اطلاعات فیش برداری از نوشته ها و اسناد و متون حقوقی مرتبط (کتب علمی، تخصصی، مقالات علمی - پژوهشی، و غیره) و استفاده از سایت های مختلف حقوقی می باشد. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات که در واقع نحوه آزمون فرضیه های تحقیق است. توصیفی - تحلیلی می باشد و با استفاده از طریق استدلال حقوقی مثل برهان عادی و برهان خلف یا وحدت ملاک و نظایر آن خواهد بود.

مبانی و ادبیات نظری تحقیق

در این قسمت به برخی از مبانی و ادبیات نظری تحقیق می پردازیم:

مفهوم لغوی خیار

خیار اسم مصدر برای (اختیار) مصدر باب افتعال به معنای گزینه برتر و خروجی اختیار خیار است. جواد فخار طوسی در محضر شیخ انصاری شرح، خیارات قرآن و اختار موسی قومه سبعین رجلا لمیقائنا» (اعراف / ۱۵۵) و موسی از قومش هفتاد تن بهترین افراد (قومش) را برای میعاد ما برگزید.

خیار به معنی اختیار داشتن نسبت به فعل یا ترک کاری و در مقابل اجبار و در اصطلاح به معنی اختیار و قدرتی است که شخص در فسخ معامله دارد و یا حقی است که مقتضی سلطه و قدرت شخص بر فسخ عقد است (کیخا و همکاران، 1399).



مفهوم اصطلاحی خیار

طلب خیر الأمرین من الإمضاء أو الفسخ، ملاک فسخ عقد». عاقد بین امضاء وفسخ عقد اختیار دارد. به عبارت دیگر خیار حق است برای متبایعین یا یکی از آنها که میتواند عقد لازم را برهم زند و گاه نیز به شخص ثالث اختیار فسخ قرارداد را میدهد و اجرای این حق عمل حقوقی است که با یک اراده انجام میشود و نیاز به قصد انشاء دارد و در زمره ایقاعات، است برخلاف اقاله که با تراضی طرفین عقد محقق می شود (کیخا و همکاران، 1399).

مفهوم لغوی غبن

به سکون، یا مصدر (غَبَنَ) به معنای: کاستی، خدعه، و نیرنگ (تارویی و همکاران، 1399).

مفهوم اصطلاحی غبن

معنای اصطلاحی غبن کون احد العوضین فی عقد المعاوضه غیر متعادل مع الآخر بأن یكون اقل من قيمته أو أكثر منها المدخل فی التعریف فی الفقه الاسلامی، یکی از دو عوض در عقد معاوضه با دیگری همخوانی نداشته باشد؛ به این معنا که از قیمت آن بیشتر یا کمتر باشد. فقهای امامیه تملیک ما له بما یزید علی قیمه مع جهل الآخر». کسی مال خود را به دیگری بدهد اما به قیمتی بیشتر از قیمت واقعی، مال با جهل طرف مقابل در محضر شیخ انصاری شرح خیارات جواد فخار طوسی غبن در یکی از دو طرف معامله پدید می آید ثبوت حق خیار برای یکی از دو طرف معامله که بخواهد عقد را الزام یا آن را به سبب غبن فاحش فسخ نماید (تارویی و همکاران، 1399).

سوابق تحقیق

الف: منصوری (1391) در مقاله ای با عنوان « تحلیل مبانی خیار غبن » آورده است: مقاله حاضر با تعریف لغوی و اصطلاحی «غبن» شروع و سپس مبانی نظری آن در قالب عیب اراده و قاعده لاضرر و شرط ضمنی بررسی شده و در بحث لاضرر شرح آن مفصل تر است و این تفصیل به جهت استناد فقها و بعضی حقوقدانان معاصر به قاعده لاضرر در توجیه مبانی خیار غبن است تا با روشن شدن زوایای مختلف آن، میزان توجیه پذیری قانون مدنی در بحث خیار غبن با این قاعده مشخص شود، چرا که با قاعده لاضرر، مسؤولیت ناشی از خیار غبن قهری و با شرط ضمنی به عنوان مبانی خیار غبن، این مسؤولیت قراردادی خواهد بود (منصوری، 1391).

ب: اصغری آق مشهدی و همکاران (1393) در مقاله ای با عنوان « شرایط تحقق خیار غبن (عنوان عربی: شروط تثبت خیار الغبن) » آورده است: غبن عبارت است از عدم تعادل فاحش میان ارزش دو عوض در قرارداد. زیان دیده از غبن می تواند معامله را فسخ کند. برای تحقق خیار غبن شروط سه گانه ذیل ضرورت دارد: معوض بودن قرارداد، عدم تعادل اقتصادی عوضین به طور فاحش در زمان انعقاد قرارداد و جهل مغبون. برخی فقیهان برای فاحش بودن غبن ضوابطی را مشخص کرده اند اما به نظر مشهور فقیهان که مورد پیروی قانون مدنی نیز قرار گرفته است، تشخیص آن با عرف است. چکیده عربی: الغبن عبارة عن عدم التعادل الواضح بین العوضین فی العقد قیمه. الخاسر من الغبن یمتطیع نقص العقد. لتثبت خیار الغبن ثلاثه شروط ضروریه: صلاحیة التعویض للعقد، عدم التعادل الاقتصادي للعوضین واضحا عند العقد و جهل المغبون. عین بعض الفقهاء قواعد لوضوح الغبن، لكنها علی رأی بعضهم المشهورین الذین یتابعون القانون المدنی، یمیزها العرف (اصغری آق مشهدی و همکاران، 1399).

ج: مهدوی (1397) در مقاله ای با عنوان « مبانی و مستندات خیار غبن در فقه مذاهب اسلامی » آورده است: یکی از خیاراتی که در مباحث فقهی مطرح شده، خیار غبن است. بدین معنا که هرگاه تملیکی به زیادتیر یا کمتر از بهای واقعی آن صورت پذیرد در حالی که طرف قرارداد از حقیقت امر آگاه نیست، غبن تحقق یافته و اگر فاحش باشد، به مغبون حق فسخ معامله را می دهد. فقیهان شیعه برای



اثبات وجود خیار غبن سه مبنای متفاوت و چند مستند ارائه نموده اند. این مبانی عبارت است از: عیب رضا، تخلف از شرط ضمنی و نفی ضرر (نفی التزام به ضرر ناخواسته). از میان مذاهب اربعه اهل سنت صرفاً حنبلی ها و مالکی ها قائل به خیار غبن هستند و کمتر نیز به مبانی و تحلیل آن پرداخته اند. شافعی ها و حنفی ها بر مبنای فریب و خدعه قائل به حق خیار هستند. این مبانی در این مقاله مورد نقد و بررسی قرار گرفته و نتیجه نیز آن شده است که نظریه نفی ضرر که با موازین فقهی تناسب بیشتری دارد، منطقی تر به نظر می رسد (مهدوی، 1397).

د: کیخا و موذنی بیستگانی (1399) در مقاله ای با عنوان «ارزیابی عوامل موثر در تشخیص غبن فاحش و افحش» آورده است: پژوهش های انجام شده نشان می دهد که اگر یکی از متعاقدين، نسبت به اسقاط خیار غبن خود اقدام نماید، در صورتی که منظور او غبن فاحش بوده، خیار غبن افحش از او ساقط نمی شود. علاوه بر اینکه غبن افحش در قانون نیز نیامده است. بنابراین تشخیص و تمیز غبن فاحش از افحش (در رسیدگی منصفانه به دعوی مطروحه) حایز اهمیت خواهد بود. برای نیل به این مقصود، ارزیابی عوامل مشخص کننده ضرورت پیدا می کند. یافته های این پژوهش که به روش توصیفی تحلیلی انجام شده نشان می دهد که معیار عرف به صورت مطلق (آن چنان که در قانون مدنی ماده 417 آمده) نمی تواند دقیق و خالی از خدشه برای تشخیص غبن فاحش از افحش باشد؛ چرا که عرف در تبیین مصادیق ضرر، تمکن مالی متعاملین، زمان و مکان، شرایط معامله و ارزش مبیع را در نظر می گیرد. بنابراین نمی توان ضرر عرفی را بدون در نظر گرفتن حال متعاملین منظور نمود. لذا با تبیین و تفکیک بین ضرر مالی و ضرر حالی، بهترین ملاک برای تشخیص عرف است، آن هم نه عرف با در نظر گرفتن صرف ضرر مالی، بلکه عرف با در نظر گرفتن ضرر حالی می باشد؛ همچنان که به نظر می رسد ماده 419 ق. م. موید همین نظر است. لذا پیشنهاد می گردد قانون گذار نسبت به تفصیل ماده 417 این قانون اقدام نماید (کیخا و موذنی بیستگانی، 1397).

آثار غبن در پرتو استقلال مبانی مسئولیت مدنی

قواعد مسئولیت مدنی در کنار قواعد قراردادی مانند فسخ و ضمانت اجراهای مشابه، در حوزه های مختلف از جمله داد و ستد متولی طراحی یک نظام حقوقی کامل برای تحقق عدالت قراردادی و پرهیز از سوء استفاده هستند به نظر می رسد تضمینات مسئولیت مدنی مستقل از دیگر قواعد نیز قابل اعمال است. به این صورت که در سکوت ضمانت اجرای قراردادی یا در جایی که این ضمانت اجراها عرفاً و با عنایت به نیازهای جامعه کامل نیستند راهکارهای خود را تجویز می کنند. برای مثال فسخ قرارداد مانع از اقامه دعوی خسارت نیست و برای مثال، مطالبه خسارت ناشی از نقص مبیع یا تخلف از برخی شروط همان طور که در فقه نیز تصریح شده است، منافاتی با امکان فسخ ندارد؛ زیرا در این موارد اعاده وضع سبب حرج ذینفع می شود و هدف قواعد مسئولیت مدنی از جمله تحقق کارایی اقتصادی و تأمین عدالت در این موارد است. فرض شود متعهد، احداث ساختمانی را عهده دار شده و بخشی از آن را مهمل نهاده است. الزام به ایفای تعهد زمان زیادی می طلبد و کار نیز به خوبی انجام نخواهد شد. در این جا میتوان خسارت ناشی از این نقص یا تخلف را مطالبه کرد مبنای مسئولیت (مدنی و خود را درگیر مسیر دشوار الزام به ایفای تعهد و مانند آن نکرد دقت بیشتر در قواعد مربوط به تخلف از شرط نشان می دهد که همین رویکرد مورد تأیید قانون مدنی قرار گرفته است؛ زیرا اولاً مطابق ماده ۲۳۸ این قانون می توان شرط را اجرا کرد و هزینه آن را وصول نمود که به نوعی خسارت ناشی از عدم ایفای قرارداد است، ثانیاً این قواعد تکمیلی هستند و عرف معاملاتی بی گمان بر قواعد تکمیلی حاکم است؛ به این معنا که لازم نیست ابتدا الزام طرف را به ایفاء و یا انجام شرط به هزینه خود و سپس مطالبه آن از متعهد را دنبال نمود؛ بلکه میتوان بطور مستقیم و از جمله با مساعی قواعد مسئولیت مدنی دعوی مطالبه خسارت آن بخش را اقامه نمود با این وصف شاید راهکاری که دادگاه تجدیدنظر استان مرکزی اتخاذ نموده بر مبنای همین قواعد و در کنار قواعد دیگر مانند فسخ قرارداد باشد. قدر متیقن تحلیل مذکور در جایی که غابن با سوء استفاده و اطلاع از تفاوت قیمت یا نابرابری اطلاعاتی وارد معامله میشود و به زیان مغبون اقدام می کند، منطقی است و در سایر موارد نیز مطالبه تفاوت، قیمت مصالح عالییه ای دارد که نباید. مورد غفلت رویه قضایی قرار گیرد (عابدی و خدابخشی، 1398).



شرایط تحقق خیار غبن

برای تحقق خیار غبن وجود دو شرط ضروری است که از قرار ذیل میباشد:

مغبون در زمان انعقاد قرارداد نسبت به قیمت واقعی جاهل باشد زیرا در صورت علم به قیمت واقعی با توجه به قاعده الناس مسلطون علی اموالهم خود اقدام به معامله کرده و لذا حق خیار ندارد.

۲. باید غبن فاحش باشد در واقع زیادی که در معامله وجود دارد به گونه ای باشد که عرف در آن تسامح نکند در واقع از آنجایی که شرع مقدار غبن فاحش را اعلام نکرده است لذا برای تعیین این مقدار به عرف رجوع میشود (اسماعیلی و مولوی، 1395).

مستندات

به طور معمول تفاوت مبانی ناشی از منابع متفاوت و گوناگون است. در بحث خیار غبن همان طور که ملاحظه گردید مبانی مختلفی ارائه شد که مستند آنها آیه تجاره عن تراض قاعده لاضرر، سیره عقلا و یا روایات باب است بحث از آیه شریفه و قاعده لاضرر به مناسبت در بحث مبانی مطرح شد و اکنون به بررسی بقیه مستندات میپردازیم.

سیره عقلا

امام خمینی بر این نظر هستند که بهترین دلیل برای خیار غبن سیره عقلاست. بر این دیدگاه اشکال شده که سیره عقلا وقتی حجت است که از سوی شارع منع نشده باشد در صورتی که به واسطه اصل لزوم و دلایل دیگر مانند «وفوا بالعقود» و همچنین ذیل روایت خیار مجلس که امام فرمایند هنگامی که طرفین از هم جدا شوند بیع لازم است این حق خیار غبن منع شده است. در پاسخ میتوان گفت اطلاعات و عموماً برای منع بنای عقلا کفایت نمیکند؛ بلکه در این گونه موارد ما نیازمند نص خاص هستیم.

اشکال مهمی که بر نظر سیره عقلا مطرح است آن است که مبنای خیار در این دیدگاه روشن نشده است به این بیان که آیا عقلا به جهت ضرری که به مغبون وارد میشود قائل به حق خیار برای او هستند یا به جهت و دلیل شرط ضمنی و یا امر دیگری؟ بر این اساس، بناء عقلا دلالت بر اثبات خیار به شکل مطرح شده را ندارد زیرا پرداخت تفاوت و مبلغ اضافی به مغبون نیز با بنای عقلا سازگار است و مشکل را حل میکند بدون آنکه وجود داشته باشد بلکه ظاهر آن است که در این صورت اصولاً بنایی بر خیار وجود ندارد (خمینی، مصطفی، ۱۴۱۸ق).

روایات

فقهای اهل سنت بحث غبن را در سه قلمروی تلقی الرکبان بیع مسترسل و نجش مطرح نموده اند که ذیلاً دیدگاه آنان و فقیهان امامیه در خصوص آن بحث می شود. در روایت نبوی آمده است رواه مسلم عن أبي هريرة أن النبي صلى الله عليه وسلم نهى عن تلقى الجلب وقال: لا تلقوا الجلب، فمن تلقاه فاشترى منه فإذا أتى السوق فهر بالخيار هرکس به استقبال فروشندهان غریبه ای که به سوی شهر می آیند برود و کالایی را از آنان بخرد زمانی که فروشنده به بازار شهر آمد میتواند معامله را فسخ کند.

۱: روایت به طور مطلق برای فروشنده قائل به حق فسخ شده است. بر این اساس از سوی علمای اهل سنت نسبت به آن توجیهات و تفسیرهای متعددی ارائه شده است. چون معتقدند معنا ندارد بدون ضرر یا خدعه بتوان معامله را فسخ کرد. در این مورد طبق روایت مزبور در صورتی که غبن فاحش باشد و بر این مبنا که نوعی قریب در این معامله وجود دارد قایل به خیار است براساس این دیدگاه خیار غبن از خود اصلاتی ندارد مالکی و حنابله هم حکم مسئله را همانند مباحث مطروحه در نجش و عنوان ساخته اند و در صورتی که غبن فاحش باشد قائل به خیار هستند. البته طبق نظر ابن قدامه مبنای خیار نزد حنابله در این خصوص خدعه است. مرحوم علامه جهت فسخ معامله را در این موضوع صرفاً به علت مغبون شدن فروشنده دانسته است. زیرا فروشندهگان هنوز به شهر ترسیده اند تا قیمت واقعی



کالاها را بدانند. بنابراین اگر کالای خود را به قیمت ارزان فروخته باشند. حق فسخ معامله را دارند فقیهان امامیه نوعاً به جهت اینکه این روایت در کتب معروف امامیه نیامده است آن را تلقی به قبول ننموده اند.

2: دسته دوم از روایات غبن المسترسل عبارت است از روایت اسحاق بن عمار از امام صادق که ایشان فرمودند: «غبن المسترسل سحت مغبون کردن شخصی که به شما اعتماد کرده سخت و اکل مال به باطل است میسر نیز از امام صادق روایت نموده است: «غبن المؤمن حرام مغبون کردن مؤمن کار حرامی است.

در خصوص این روایت نظر فقهای اهل سنت متفاوت است. حنبلیها و مالکی ها گفته اند به جهت اینکه خریدار به فروشنده اعتماد کرده و به قیمت نیز آگاهی نداشته و به طور غیر متعارف گران خریده مغبون شده و لذا دارای خیار غبن است. اما ابو حنیفه و شافعی معتقدند کمتر بودن قیمت کالا در بازار در حالی که کالا سالم و بی عیب است لزوم عقد را مرتفع نمیکند و وقتی میتوان قائل به خیار شد که قریب و خدعه در کار باشد (مهدوی، 1397).

در پاسخ به این دو روایت جهت اثبات خیار غبن میتوان گفت: روایت دوم ظهور در آن دارد که خیانت نمودن در مقام، اعتماد عمل حرامی است و بر این اساس احتمال داده می شود که «غبن با فتح باء خوانده شود که به معنای خدعه و قریب است. اما روایت اول اگرچه در اعمالی ظهور دارد که متعلق به اموال است لیکن در خصوص دلالت آن سه احتمال وجود دارد. اول آنکه روایت بیانگر آن باشد که غابن به خاطر عملش و قریب در بردن مال دیگران مانند کسی است که مال حرام میخورد و شایسته عقاب و مجازات است که در این صورت روایت صرفاً بیانگر حکم تکلیفی حرمت میباشد و نه اثبات خیار که یک حکم وضعی است احتمال دوم آنکه روایت در بیان آن باشد که غابن آنچه بیشتر از حق می گیرد از نظر حرمت و ضمانی بودن مشابه مال حرام است. براساس این احتمال اصل معامله صحیح است و نسبت به مازاد که غابن ضامن بوده و عمل حرام انجام داده خیار غبن امکان پذیر است. احتمال سوم نیز آنکه منظور روایت آن باشد در صورتی که شخص مغبون به ارزش واقعی مال اطلاع پیدا کند و آن را رد کند. مجموع عوض و زیادی حرمت آن است. به منزله سخت بوده و خوردن آن حرام است که لازمه این احتمال بطلان معامله از اصل و تردیدی نیست که احتمال اول یا دوم بهتر از پذیرش احتمال سوم است و حداقل اینکه دو احتمال یاد شده با احتمال سوم مساوی هستند بر این اساس وجهی بر رجحان احتمال دوم (خیار غبن) بر وجوه دیگر وجود ندارد و سرانجام روایت اول نیز دلالتی بر مدعای بحث یعنی ثبوت خیار غبن نخواهد داشت بنابراین فقیهان امامیه جهت اثبات خیار غبن اعتنایی به این دو حدیث ندارند.

3: در خصوص غبن در مورد نجش فقیهان اهل سنت طبق روایت نبوی گفته اند: اگر مالک یا کسی به طور صوری کالایی را به مزایده بگذارد و مرتب قیمت را بالا ببرد تا افراد تصور کنند که آن کالا دارای ارزش مطرح شده میباشد و ترغیب به خرید آن کالا شود و قصد معامله نداشته باشد مرتکب نجش شده و آن کار حرام است. در این خصوص مالکیها به علت نهی در معامله بطلان آن را مطرح نموده اند؛ با وجود این، مشهور آنان صورتی که بایع با ناجش تبانی داشته باشد قائل به حق خیار هستند. حنابلہ بیع را خواه با تباتی مالک با ناجش باشد یا نه صحیح دانسته صرفاً در صورت غبن فاحش قائل به خیار هستند. اما و شافعی در کتاب الام قایل به صحت بیع بوده و صرفاً آن را گناه میدانند. البته بعضی از اصحاب شافعی مانند مالکی ها در صورت تبانی بایع با ناجش قائل به حق فسخ شده اند. با توجه به مطالب، گذشته دیدگاه فقیهان امامیه نیز در این خصوص صحت بیع است و در صورت فراهم بودن شرایط غبن قائل به خیار غبن هستند (مهدوی، 1397).

برخی از موارد سقوط خیار

مغبون پس از اطلاع یافتن از غبن هیچ اقدامی جهت فسخ معامله انجام ندهد و مدت زمانی بگذرد پس عقد لازم میگردد و مغبون مبنی بر تنفیذ عقد راضی تلقی می شود. در مغبون بعد از علم به غبن مبنی بر تنفیذ بیع اعلام نماید. در چنین صورتی خیار او ساقط میشود و عقد لازم میگردد و فسخ معامله بعد از آن صحیح نیست. همین اگر بعد از علم به غبن سکوت اختیار کرد حق او ساقط می شود. اگر مغبون بعد از علم و اطلاع از غبن در مبیع تصرفی مالکانه داشته باشد یا در آن تصرفی که لازمه ی تملک است انجام دهد حق فسخ او ساقط میشود زیرا که انجام دادن اینگونه تصرفات بعد از علم به غبن بر رضایت او دلالت دارد. البته اگر همانند امین تصرفاتی داشته



باشد حق خیار او ساقط نمی گردد. هرگاه مغبون غابن را از دعوای غبن فاحش بری کند بعد از آن هیچ گونه خیار در مورد فسخ عقد ندارد. هرگاه مبیع بعد از عقد هلاک شود یا استهلاک گردد یا این که تغییر عیبی در آن پدید آید مغبون خیار مبنی بر فسخ عقد نخواهد داشت. اگر در مبیع زیادت متصلی ایجاد گردد که از خود آن پدید نیامده است مغبون از حق فسخ بر خوردار نمیگردد (تارویی و همکاران، 1399).

بحث و نتیجه گیری

با توجه به مطالب آورده شده می توان عنوان نمود که خیار غبن یکی از اجسام خیارات می باشد که در قانون مدنی پیش بینی شده است ایجاد و اعمال این خیار منوط به حصول شرایطی است که اساسی ترین آنها چهل مغبون به قیمت عادل و فاحش بودن قیمت است. لذا قبلی که موجب ثبوت خیار می گردد غبنی است که فاحش باشد اصولاً خیار قبل مشروع است و زمانی ثابت می گردد که ادعا و خصوصتی وجود داشته باشد. غنی که موجب خیار می گردد بر اطلاق خودش نیست بلکه مقید به تحقق برخی از شروط می باشد. لذا وجود ابن فاحش و چهل مغبون دو شرط اساسی برای تحقق خیار قبل است. لازم به ذکر است که برخی کوشیده اند برای تشخیص قبن فاحش معیار ثابت و متقن ارائه دهند یک فرض شرعی ایجاد کنند ولی خود نیز مصون از انتشقاق نمانده اند و هر گروه معیاری را پیشنهاد می کرد. ناگفته نماند که قبن فاحش مفهومی به نام غبن فاحش نیز در تالیفات بعضی از بزرگان ملاحظه شده است و مشخص گردیده که در صورت اسقاط قبن فاحش غن فاحش در صورت جمع شرایط و وجود اوضاع و احوالی که در قسمت شرایط تحقق خیال غبن فاحش از نظر گذشت ساقط نیست بلکه ثابت است. در نتیجه حاصل تحقیق می تواند با توجه به شناخت خیار غبن و شرایط تحقق آن اشخاصی که معاملاتی را انجام می دهند با دقت و توجه به شروط آن انجام دهند که نتیجه آن می تواند در کاهش پرونده های محاکم تاثیر گذار باشد.

منابع

- اصغری آق مشهدی فخرالدین و محمدی سام و مصطفوی زهرا (1393) شرایط تحقق خیار غبن (عنوان عربی: شروط تثبت خیار الغبن)، نشریه: پژوهش های فقه و حقوق اسلامی (فقه و مبانی حقوق اسلامی)، دوره 10، ش 37، ص 11-36
- اسماعیلی، محسن و مولوی، سمیه (1396) بررسی خیار غبن و رابطه آن با قاعده لاضرر با رویکردی بر اندیشه امام خمینی ، پژوهشنامه متین/سال نوزدهم / شماره هفتاد و پنج، ص 42-72
- تارویی، عبدالله و پنجه پور، جواد و عابدیمنی، احمد و بهارلویی، سیامک (1399) بررسی فقهی خیار غبن و حسن نیت در مذاهب خمسه و رابطه آن با اخلاق تجاری، پژوهش های اخلاقی، ش 4، ص 255-274
- خمینی، سید مصطفی (1418ق) مستند تحریر الوسیل ، ة قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- کیخا محمد رضا و موذنی بیستگانی حمید (1397) ارزیابی عوامل مؤثر در تشخیص غبن فاحش و افحش، نشریه: آموزه های فقه مدنی، دوره 12 ، ش 22، ص 277-298
- کاتوزیان، ناصر (1384) حقوق مدنی قواعد عمومی قراردادها، شرکت انتشار بهمن برنا، چاپ دوم
- کیخا ، محمد رضا و سامانی ، احسان و یوسف مرادی (1399) بررسی فقهی حقوقی نجش در معاملات و انطباقسنجی آن با غبن، نشریه علمی دانش حقوق مدنی، سال نهم، شماره 1، پیاپی 11، ص 101-112
- عابدینی، محمد و خدابخشی، عبدالله (1398) جبران زیان مغبون از طریق پرداخت ما به التفاوت قیمت (تحلیلی فقهی، حقوقی و اقتصادی) دو فصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی، دوره جدید، س 26، ش 15، ص 25-47
- منصوری، سعید (1391) تحلیل مبانی خیار غبن، نشریه: پژوهشنامه حقوق خصوصی، دوره 1، ش 1، ص 59-42
- مهدوی سید محمد هادی (1397) مبانی و مستندات خیار غبن در فقه مذاهب اسلامی، نشریه: فقه مقارن، دوره 6، ش 11، ص 139-156

Explanation of Ghoban cucumber in Iranian jurisprudence and law

Abstract

Ghoban cucumber is one of the important topics of cucumbers that the civil law has paid attention to. Embezzlement is a gross imbalance between the value of two exchanges in a contract that has already been seen and can terminate the transaction. It goes without saying that in case of embezzlement in the transaction, the defrauded person can choose one of the two options related to embezzlement (termination - retention of the contract). In this research, which is a descriptive and analytical method, an attempt was made to address the issue of explaining the previous option in Iranian law, the purpose of which is to know the powers surrounding the option of embezzlement, the result of which can be more familiar with the options available in the option of embezzlement and subsequently reducing the case. have been the courts.

Key words: Cucumber, Maghboon, Fall, Ghoban.